شکل‌های زندگی؛ علمی‌کردن رمان

گریز از شخصیت

نادر شهریوری (صدقی)

«من»های متنوع با حتی متخاصمی وجود دارند که دائما در تنش با یکدیگر، درصدد نمایان‌کردن خود هستند. «ناگهان» تنها واژه عمیقا مورد علاقه داستانیکی است؛ زیرا همه چیز «ناگهان» رخ می‌دهد. آنها مانند آناستازیا در رمان «ابله» به‌ناگاه در مسیر بحث و تصادف قرار می‌گیرند و آن‌گاه تلاش می‌کنند تا با تکیه بر اراده خود که «شخص» آن است، جهان نازه‌ای را برای خود رقم بزنند؛ تنها با خواندن داستانیکی است که می‌توان به ایده فلسفی «نقش شخصیت در تاریخ» پی برد. به‌همین‌دلیل شخصیت‌های داستانیکی تلاش نمی‌کنند تا خود را با واقعیت تطبیق دهند؛ بلکه هرکدام خود واقعیتی ناپیوسته‌اند که تلاش می‌کنند سرفصل‌های جدیدی را به وجود آورند. شخصیت‌های داستانیکی به خاطر فردیت اغراق‌شده‌شان همواره شهروندی بیش از خود داستانیکی دارند؛ به‌همین‌دلیل خواننده رمان بیشتر از آنکه با داستانیکی آشنا باشد، با شخصیت‌های داستانی‌اش آشنا و دمخور است. اما در رواج با شخصیت سوبژکتی ندارید؛ بلکه با «تیپ»، تیپ‌های اجتماعی مواجه می‌شوم. تیپ‌های اجتماعی رواج تفاوتی با گونه‌های طبیعی ندارند. آنها تابع قوانینی ثابت و تکرارشونده هستند. در رواج با بخت، تصادف و رخداد مواجه نمی‌شویم؛ زیرا تکرار لازمه علمی‌کردن رمان است. جهانی برای ظهور بانهیکام رخداد باقی نمی‌گذارد.

«شاهکار» نام رمانی جدی‌تر از امیل زولا است. این رمان چنان‌که از نام آن پیداست، به تلاش نقاشی به نام کلود لانتیه می‌پردازد که درصدد خلق شاهکاری است که نام او را جاودانه کند. کلود لانتیه که نقاشی طبیعت‌گراست، توجه خود را به طبیعتی معتمرگر می‌کند که بیرون از ذهن او وجود دارد. تلاش نقاش به طور کامل معطوف به ارائه اصیل و طبیعت زندگی است، و در طبیعت اصالتی را می‌بیند که در احترامی مشاهده نمی‌کند. به‌همین‌دلیل به تمام توان توجه خود را معطوف به ارائه شاهکاری مصحوبه‌فرد می‌کند؛ اما تلاش‌های طولانی و بی‌وقفه او به نتیجه نمی‌رسد زیرا

طبیعت چنان‌که هست، به طور کامل به چنگ نمی‌آید. به بیانی دیگر همواره بخشی از واقعیت - طبیعت - قدما می‌شود تا گوشه دیگری از آن نمایانده شود. این دیگر به ذهنیت هنرمند و «شخصیت» او بازمی‌گردد که در واقعیت‌های بیرون از ذهن، دخل و تصرف می‌کرد که سرنوشت کلود لانتیه، سرنوشت غم‌انگیزی است به خودکشی او منتهی می‌شود. کلود لانتیه بعد از سال‌ها تلاش بی‌وقفه درمی‌یابد که ناموفق بوده است. او نمی‌تواند شاهکاری ارائه دهد. لانتیه تنها در پی این شکست که درمی‌یابد چیزی بیش از واقعیت وجود دارد که واقعیت را یادآوری می‌کند. به این شکل نقلی از او هنر نقاشی می‌کند. «آیا چیزی جز بیان آنچه آدمی در درون خود احساس می‌کند، در هنر وجود دارد»[1]

رمان «شاهکار» اشاره‌ای آشکار به پل سزان، دوست قدیمی و هم‌کلاسی زولا دارد که «خالق طبیعت بی‌جان» نام گرفته بود. از طرف دیگران چندان جدی گرفته نمی‌شد. از نظر زولا نیز نقاش مستعدی به حساب نمی‌آمد. «شاهکار» زولا را به یک معنا می‌توان هجو سزان نقلی کرد.[2] انگار بعدها ثابت شد که سزان، نقاش مهم و تاثیرگذاری بوده که بر نحله‌های فکری بعد از خود مانند پیکاسو و کوبیسم تاثیر تعیین‌کننده‌ای گذاشته است. اتفاقا آنچه باعث اهمیت سزان شد، پاشنه‌آشیل زولا بود؛ یعنی همان چیزی که زولا بنای باعظمت آثار خود را بر روی آن بنا نهاده بود و آن چیزی نیست جز مقوله فی‌الواقع ناشناخته «واقعیت». واقعیت بعدها به نظر سزان بسی ژرف‌تر از نگاه اولیه او نظر می‌آمد. او برخلاف زولا به دنبال شباهت‌های وراثت و کشف مولفه‌های مشابه نگراش‌رفته به منظور ارائه‌ی هر علم نبود؛ بلکه بیشتر به دنبال تفاوت‌ها بود. چه بسا او نیز مانند تولستوی درصدد بود چرخه تکرار چیزها را درهم ریزد تا واقعیت، دست‌کم بخشی از واقعیت را در قالب فرم هنری نجات دهد.

پی‌نوشت‌ها

۱.«انتشار رمان «شاهکار» از طرف زولا باعث جدایی همیشگی این دو دوست قدیمی شد. سزان با انتشار یادداشتی به دوستی خود با زولا خاتمه می‌دهد. «دارایی خانواده روگن». امیل زولا. مجموعه‌ثنی غبانی.

۲.«شاهکار». امیل زولا. علی‌کبر محمودپیکی.

گفت‌وگو با علی‌اصغر حداد به مناسبت انتشار «ناتان خردمند» گوتهُلد افرایم لسینگ

تغییر میدان نبرد

عکس: امیر جدیدی

پیام حیدرقزوینی

**تازه‌ترین ترجمه علی‌اصغر حداد نمایش‌نامه‌ای است از گوتهُلد افرایم لسینگ، چهره شاخص عصر روشنگری آلمان. که در نشر لاهیتا منتشر شده است. «ناتان خردمند» نمایش‌نامه‌ای است در پنج پرده که اولین‌بار در سال ۱۷۷۹ منتشر شد و در آوریل ۱۷۸۳ برای اولین‌بار در برلین روی صحنه رفت. کرچه لسینگ به‌عنوان نویسنده، شاعر، فیلسوف و کتابدار به فعالیت مشغول بود اما عمده شهرت او ناشی از همین نمایش‌نامه است که اعتباری جهانی برایش به همراه داشت. لسینگ چهره مهمی در عصر روشنگری به شمار می‌رود. او ازیک سو برابر مدارا تأکید داشته و ازسوی دیگر منتقد جزم‌اندیشی مسیحی بوده است. «ناتان خردمند» نیز حاصل همین اعتقاد او است. وقایع این نمایش‌نامه به دوران جنگ‌های صلیبی در اورشلیم برمی‌گردد. یعنی به جایی که محل تلاقی ادیان جهانی بوده است و یهودیت و مسیحیت و اسلام مواجهه‌ای مستقیم با هم داشته‌اند. ماجرای نوشته‌شدن این نمایش‌نامه با کارکتابداری لسینگ در ارتباط بوده است. لسینگ به عنوان کتابدار کتابخانه ولفن بوتل، ماموریت داشته تا برخی از آثار موجود در کتیبخانه این کتابخانه را آماده انتشارکند. در سر انتشار این آثار، لسینگ بخش‌هایی از «آپولوژی» ساموئل رایماروس را هم منتشر می‌کند. رایماروس در طول چند سال این رساله را نوشته بود اما در زمان حیاتش از انتشار آن خودداری کرد و انتشارش را به زمانی موکول کرد که زمانه پذیرای آرای مطرح‌شده در آن باشد. او می‌دانست که کلیسا انتشار این رساله را تاب نمی‌آورد. لسینگ بخش‌هایی از «آپولوژی» را بدون نام نویسنده‌اش منتشر کرد و آن‌طور که رایماروس پیش‌بینی کرده بود چاپ آثار با مخالفت کلیسا روبه‌رو شد. کشیشی به نام مایشور کوئسه اعتراض شدیدی به انتشار این اثر داشت و با اقدامات او، کتاب ممنوع شد. بعد از این لسینگ تصمیم گرفت که عرصه نبردش را تغییر دهد و با روی‌آوردن به صحنه تئاتر انتقادانی تندتر به نهاد کلیسا وارد کند. «ناتان خردمند» نمایش‌نامه‌ای است که لسینگ برحسب دو اثر قدیمی‌تر نوشت. نمایش‌نامه‌ای که به لحاظ ادبی حائز اهمیت است و لسینگ در آن قصه سه انگشتر را از دکامرون، جووانی بوکاچیو وارد نمایش‌نامه‌اش کرد. «ناتان خردمند» در قالب شعر سپید نوشته شده که قالبی است با ضرباهنگی پنج‌کانه. خصیصه اصلی نمایش‌نامه نیز از مهم‌ترین چهره‌های ادبی عصر روشنگری به شمار می‌رود. از ناتان خردمند پیش از این چند نرجه به فارسی موجود بود اما ترجمه علی‌اصغر حداد ویژگی‌هایی دارد که آن را ممتاز از دیگر ترجمه‌ها می‌کند. حداد در این ترجمه از تراش‌ آهنگین استفاده کرده و همچنین تمام نمایش‌نامه را به فارسی برگردانده است. به مناسبت انتشار «ناتان خردمند» با علی‌اصغر حداد درباره ویژگی‌های متفکن زمانی و سبکی این اثر، جایگاه نمایش‌نامه در ادبیات کلاسیک آلمان و دلایل انتخاب چند کتاب کتابخانه‌ای گفت‌وگو کرده‌ایم. حداد در جایی از این مصاحبه درباره انتخاب‌هایش برای ترجمه و ارتباط آنها با وضعیت اجتماعی اطرافش می‌گوید: «وقتی می‌خواهم کتابی را برای ترجمه انتخاب کنم سعی می‌کنم تا جایی که مقدور است اثری باشد که برای جامعه ایرانی داشته باشد و آینه‌ای باشد که من در آن آینه خودم را ببینم. این کمال آرزوی من است. در انتخاب وقت رفتن و ناتان خردمند خیلی آگاهانه خواسته‌ام نقدی را که از نهاد کلیسا و مسیحیت می‌شود، مطرح کنم. البته این اثر برای جامعه‌ام در این آینه خودمان را ببینیم و خودمان را رقم کنیم».

■ از «ناتان خردمند» پیش از این چند ترجمه به فارسی در دست بود. چرا شما این اثر را برای ترجمه انتخاب کردید؟

اولین‌بار ترجمه این کتاب را حدود بیست سال پیش شروع کردم. در آن زمان پس از ترجمه چند صفحه از کتاب، احساس کردم نمی‌توانم پژوهش رانی را که برای ترجمه انتخاب کرده‌ام تا پایان کار ادامه بدهم و به این خاطر رهایش کردم. ترجمه این چند صفحه همین‌طور باقی ماند. گاهی به آن رجوع می‌کردم و نگاهی به آن می‌انداختم اما ادامه‌اش ندادم. تا اینکه چند سال پیش ترجمه‌ای از کتاب دیده که اصلا خوب نبود و وسوسه شدم که این کار را ادامه بدهم. بعد که ترجمه مرحوم کامران جمالی منتشر شد اطمینان پیدا کردم که باید ترجمه‌ام را تمام کنم.

نکته جالب دیگری که در این کتاب برای من وجود دارد، این است که لسینگ در این اثر نهاد کلیسا و مسیحیت را نقد می‌کند و یا دیدی کاری ندارد. نوک تیز انتقاد او به سمت مسیحیت است و یکی از تفکاتی که باعث شد من به سراغ ترجمه این اثر بروم این بود که وقتی یک مسیحی این‌جور نقادانه به مذهب خودش نگاه می‌کند من هم باید انصاف داشته باشم و نگاه نقادانه‌ای به فرهنگ خودم داشته باشم.

■ از این منظر ترجمه شما را می‌توان نقدی بر ترجمه‌های قبلی این اثر دانست.

زمانی که کتابی ترجمه شده و دوباره می‌خواهم ترجمه‌اش کنم، با این دید به سمت ترجمه‌اش می‌روم که احتما ترجمه بهتری به دست می‌دهم. اگر این تصور در من وجود نداشته باشم سراغ ترجمه جدید نمی‌روم. با حسی که ترجمه جمالی به من داد، حس کردم که می‌توانم ترجمه بهتری به دست دهم. البته این صرفا یک ادعا است و لزوما همه نباید این حرفم را بپذیرند اما می‌خواهم آن تصوری که در ذهنم بود را بگویم؛ اینکه ترجمه جمالی و دیگر ترجمه‌هایی که دیده بودم حق مطلب را درباره این کتاب ادا نکرده‌اند و این برایم انگیزه‌ای شد که کار را ادامه بدهم. در نتیجه سال گذشته دوباره به سراغ این اثر رفتم و چندماهی وقت گذاشتم و این‌بار ترجمه‌اش را تمام کردم.

■ اولین‌بار که مشغول ترجمه این کتاب شدید چقدر پیش آمده بودید؟

حدود دو یا یازده صفحه را ترجمه کرده بودم.

■ در بازگشت آیا ترجمه اولیه را رکنار گذاشتید یا همان را ادامه دادید؟

بخش ابتدایی کتاب ترجمه همان بیست سال پیش است و درواقع بار دوم که به سراغش رفتم همان ترجمه را ادامه دادم. مسئله‌ای که آن زمان وجود داشت دغدغه‌ای مربوط به اداکه کار بود. همیشه این ترس با دغدغه را داشته‌ام که آیا می‌توانم این زبانی را که برای ترجمه انتخاب کردم، تا پایان کار ادامه بدهم یا در حایی از کار، ترجمه را به زبان غیرممکن می‌شود. بسیار سال پیش به چیزی رسیدم که احساس کردم نمی‌توانم ترجمه را با همان زبان آغاز کاتب ادامه بدهم. شاید این تجربه بیست‌ساله لازم بود تا دوباره بتوانم به این کتاب بازگردم. زمانی که از این گردنه گذشتم و مطمئن شدم می‌توانم این زبان را تا پایان کار ادامه دهم دوباره به سراغ ترجمه‌اش رفتم. تاکنون این اتفاق در دو یا سه ترجمه‌ام پیش آمده است؛ اینکه در آغاز، زبانی را انتخاب کردم‌ام اما مدام نگران بودم که یک جا نتوانم آن را ادامه دهم. در ترجمه «داستان» «بازگشت قبیله کمپنده» از آنا رگرس که در مجموعه «نامزنی» منتشر شده نیز این نگرانی را داشتم. در ترجمه این داستان زبانی حماسی انتخاب کرده بودم و نگران بودم که نتوانم تا پایان با همان حالت ادامه‌اش بدهم. اما حالا ترجمه شاهکار داستان روز، ترجمه‌ام را از این می‌رود و مثلا به جای «دوست دارم چون این نوع نگارش با دیگر ترجمه‌هایم متفاوت است» از «نوع نوشته‌ام» زبان متفاوتی را تا پایان حفظ کنم احساس موفقیت می‌کنم.

■ ادبیات کلاسیک آلمان چهره‌های درخشانی دارد. لسینگ چه جایگاهی در میان آنها دارد؟

لسینگ در نیمه اول قرن هجدهم متولد شده است. یعنی در دورانی که چهره‌های مهم دیگری هم در آن حضور دارند. کوته با اختلافی بیست‌ساله پس از لسینگ متولد می‌شود و ده سال بعد از این هم شیلر به دنیا می‌آید و هولدرلین نیز به همین دوران تعلق دارد. اینها همه آثار لسینگ را دیده‌اند و جایگاه لسینگ به‌عنوان یک نویسنده واقعی کتاب نمی‌آورد. اولیای کلیسا بشدت این اثر را محکوم می‌کنند و مانع از ادامه چاپ این می‌شوند. لسینگ که پیش از این هم کافی نمایش‌نامه می‌نوشت، در واکنش به این اتفاق می‌گوید به منبر اصلی‌ام یعنی صحنه تئاتر بازمی‌گردم و نمایش‌نامه‌ای می‌نویسم تا میدان نبرد را عوض کنم. اینجاست که او نوشتن «ناتان خردمند» را آغاز می‌کند. در میان چندین نمایش‌نامه دیگری که لسینگ نوشته است، «ناتان خردمند» به اثری جهانی تبدیل می‌شود. «ناتان» خردمند» یکی از پایه‌های اصلی روشنگری در تاریخ آلمان است.

■ لسینگ به جز نمایش‌نامه‌نویسی به عنوان شاعر هم شناخته می‌شود اما آیا می‌توان گفت که شهرت اصلی او به اعتبار همین یک نمایش‌نامه است؟

بله، از او شعرهایی هست که منتشر شده است و باید اشاره کرد که «ناتان خردمند» نیز به شکل شعر نوشته شده است. در زبان آلمانی نوعی شعر سپید داریم که شعرهایش بیتگانه دارد. این همان قالبی است که کوته نیز «الیفیژنی» و شیلر درام «دون کارلوس» را در این قالب نوشته‌اند. حتی شعری مثلا در نمایش‌نامه‌نویسی از این قالب استفاده کرده است. در این میان نمایش‌نامه‌های دیگر لسینگ شعرت زیادی ندارند. از طرف دیگر زمانه ما تغییرات زیادی با دوران لسینگ کرده و به این خاطر نقدی که او به کلیسا آلمرچه ارزش تاریخی دارند اما دیگر اهمیت آن دوران را ندارند.

■ ترجمه شما اگرچه به نثر است اما برخی جاها با جابه‌جایی چیزی فعل در جمله‌ها نوعی ریتم به وجود آورده‌اید و به طور کلی نثاش کرده‌اید با نثری آهنگین این نمایش‌نامه را نوشته‌اید که...

بله، در ترجمه نثاش کرده‌ام که موسیقی کلام احساس شود. شعر سپید ویژگی‌های قواعد خاص دارد که در سطح دقیقی بر آن ندارم. اما در ترجمه تلاش کردم تا بتوانم جمله‌ها تا حدودی چیزی از فضای شعرگونه آن به دست بدهم. این تطبیق نوعی آهنگ کلام به وجود آورده است. تلاشم این بود که علاوه بر اینکه زبانی را انتخاب کنم که مقداری کلاسیکتر و فخیم‌تر باشد، زبانی هم باشد که نوعی حس شعر در آن وجود داشته باشد. اثار متعلق به این دوران را نمی‌توان با زبان معمولی امروزی ترجمه کنیم چراکه فضای خاص اثر از دست می‌رود.

■ آیا زبان لسینگ در ترجمه‌ای از ناتان خردمند به زبان متفاوت این نمایش‌نامه را نوشته است؟

زبان او در این اثر زبان همان دوره است و البته با زبان امروز تفاوت دارد. یکی از نکاتی که کار ترجمه این اثر را مشکل می‌کند همین نکته است که این زبان همین آلمانی امروز نیست و در جاهایی ممکن است مترجم دچار بدفهمی شود. در ترجمه جمالی همین مشکلات باعث شده که در چندجا مترجم به اشتباه بیفتد. البته اینکه می‌خواست پس از مرگش دیگران بدانند‌شبیه‌ایی را منتشر کند. لسینگ این مقالات را منتشر می‌کند اما اسمی از